

به عرف دیپلماتیک عمل کن ...

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۴۳

کیومرث صابری (گل آقا) در خاطراتش می گوید : آقای رجایی بعد از بدبختی‌هایی که ما سر جریان بنی‌صدر کشیدیم به ریاست جمهوری انتخاب شد. آقای فرانسوا میتران انتخابات آقای رجایی به ریاست جمهوری را تبریک گفت. آقای رجایی همیشه می‌گفت که فلانی، تو در مدرسه معلم انشاء بودی و من معلم ریاضی، بنابراین مسائل منطقی با من و احساساتی با تو! خیلی از این متن‌ها است که من نوشته‌ام.

کیومرث صابری (گل آقا) در خاطراتش می گوید : آقای رجایی بعد از بدبختی‌هایی که ما سر جریان بنی‌صدر کشیدیم به ریاست جمهوری انتخاب شد. آقای فرانسوا میتران انتخابات آقای رجایی به ریاست جمهوری را تبریک گفت. آقای رجایی همیشه می‌گفت که فلانی، تو در مدرسه معلم انشاء بودی و من معلم ریاضی، بنابراین مسائل منطقی با من و احساساتی با تو! خیلی از این متن‌ها است که من نوشته‌ام. آقای رجایی از من خواست که جواب تبریک میتران را نیز بنویسم و من هم نوشتم که بله شما به ما تبریک گفتی و از آن طرف پاریس را کرده‌اید مرکز ثقل ضد انقلاب (زمانی که منافقان آنجا بودند). نمی‌دانم کسی که می‌خواست این را به فرانسه ترجمه کند نفهمید یا فهمید و شیطنت کرد، ما یک سقر داریم به نام جهنم، و این را جهنم ترجمه کرد، یک جوری ترجمه کرد که انگار ما پاریس را جهنم ضد انقلاب خواهیم کرد (یعنی) تهدید و دخالت در امور خارجی، حالا اگر این هم نبوده باشد، متنی که من نوشتم متن غیر دیپلماتیک بود؛ یعنی یک متنی بود که کسی به شما گفته است تبریک عرض می‌کنم گفته‌اید: برو خودت را بساز، خودت را درست کن (جالب این است که من لیسانس سیاسی هم هستم!) این رفت و خارجی‌ها یک مانوری روی آن مرکز ثقل و جهنم کردند که خیلی به ضرر ما تمام شد و پاسخ ما اصلا با عرف دیپلماتیک نمی‌خواند. از آن طرف هم ما مشت‌های مان را بلند کردیم و مرگ بر امریکا، مرگ بر فرانسه - برای اینکه مسعود رجوی آن جاست - و غیره گفتیم. یک روز در دفترم نشسته بودم که آقای رجایی فشاری روی شانه من داد، دیدم ای داد بیداد، ما همین الان باید با هم دعوا کنیم! نگاه کردم، دیدم که رنگش پریده است. چی شده؟ گفت: تو نمی‌دانی چه کار کردی؟ گوشه‌ای امام از من کشید که در عمرم کسی این جور با من برخورد نکرده بود! گفتم: مگر امام چی گفتند؟ سر چی؟ خدایا چه خلافی کرده‌ایم! ما که تمام دلمان با امام و انقلاب است، چی شده؟ گفت: راجع به آن اطلاعیه جواب میتران. گفتم: آقا می‌گفتی به میتران که این بد ترجمه کرده‌اند، ما مرکز ثقل نوشتیم. گفت: اصلا حرف سر این نبوده، من هم فکر کردم همین است. امام به من گفتند: «یک کسی به تو تبریک گفته است تبریک عرض می‌کنم تو به عنوان یک مسلمان باید بگویی متشکرم، تو چه جوری می‌زنی تو دهان رئیس جمهور یک مملکت. ادب‌مان کجا رفته است؟! آقا رجایی گفت: هر چه فکر می‌کنم امام راست می‌گویند. گفتم: هیچ هم امام راست نمی‌گویند، چی چی راست می‌گویند! امام خودشان می‌گویند مرگ بر امریکا، ملت زیر سایه امام این جور بگویند: مرگ بر فرانسه، آن وقت

اگر ما بنویسیم این جوری؟! حتما باید پیش امام بروی.

شهید رجایی رفت و بعد از ملاقات با امام پیش من آمد و این دفعه دیگر خوشحال، گفتم: چی شد، گفت خدا ما را فدای امام بکند ما اصلا باید خودمان را با امام میزان بکنیم. من رفتم به او گفتم: آقا، مشاور فضول ما این جور می گوید، گفتند: هم مشاور فضول تو درست می گوید، کارشان غلط است! اما من یک آخوند هستم اینجا نشسته ام حرف می زنم. من چه کاره هستم، من در عالم اسلام برای مسلمان ها باید حرف بزنم و حرف می زنم، ولی تو پست سیاسی قبول کردی، تو رئیس جمهور مملکتی، رئیس جمهور مملکت باید به عرف سیاسی عمل کند. در عرف سیاسی جواب می دهی؛ اما حق توهین که نداری، در حالی که اگر کسی به تو گفت تبریک عرض می کنم، هر کس بوده باشد، تو باید بگویی: متشکرم، تمام. دوستت است از او تعریف می کنی، نیست می گویی متشکرم آقا. دیدم راست می گوید علوم سیاسی را ما خوانده ایم و این بنده خدا قم بوده است در خانه اش بوده در تبعید هم که بوده، باز در خانه اش بوده، حداکثر راهش این بوده که رفته مثلا نجف مرقد حضرت علی(ع) ادعا خوانده است، این جور دنیا را با عرف و نزاکت دیپلماسی آن می شناسد که من علوم سیاسی را خوانده، نمی شناسم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۳۷/عرف-دپلماتیک-عرف>